

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا
روحى وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

مقدمه

بحث ما راجع به رجعت نبی اکرم ۷ و ائمه طاهرين : و بررسی حدود و دلالت روایات بود که آیا حکومت
امام زمان ۷ مقدمه‌اي برای حکومت ائمه طاهرين: است؟ و یا فقط صحبت از رجعت حضرات معصومین:
است؟

عرض کردیم که بعضي‌ها مدعي هستند که حکومت امام زمان ۷ مقدمه‌اي برای حکومت ائمه طاهرين:
است و در این زمینه، روایات کثیری حتی تا ده، دوازده و بیست هزار روایت داریم. اگر این ادعا ثابت
بشود ما حرفی نداریم ولی اینگونه که ادعا فرموده شده، ظاهراً عاری از واقعیت باشد چون مجموع
روایات رجعت بیش از ۶۰۰ روایت نمی‌باشد- البته اگر ما در این مورد يك روایت صحیح هم، داشته باشیم
می‌پذیریم - هر چند در مورد رجعت معصومین، روایات متعددی وجود دارد که ما تا کنون تعدادی از
آنها را نقل کرده‌ایم.

روایات رجعت ائمه طاهرين و رجعت پیامبر اکرم :

در جلسه قبل راجع به شخصیت سعد بن عبدالله اشعري بحث کردیم و گفتیم که شکی در جلالت این
بزرگوار نیست. از تألیفات وی کتاب بصائرالدرجات هست که این مطلب را بزرگان و قدما هم تایید
فرموده‌اند لذا دیگر وجهی جهت تشکیك بعضي از متأخر متأخرین در انتساب کتاب بصائر به سعد

نمی‌باشد. و گفتیم که طبق بیان صاحب الذریعه، منشأ اشتباه صاحب ریاض در این بوده است که ایشان کلمه «ارجع» را به صیغه متکلم خوانده در حالیکه باید؛ «ارجع» را به صیغه امر بخواند[۱]. [ftn۱ #]. البته کتاب بصائرالدرجات سعد بن عبدالله اشعري الآن در اختیار ما نیست و آن کتاب بصائرالدرجاتی که فعلاً موجود است از محمد بن حسن صفار (م. ۲۹۰ق) است که ایشان هم از قدماست.

سخنی در مورد مولف کتاب مختصر بصائرالدرجات

آقا بزرگ طهرانی در الذریعه می‌فرماید:

«قد اختصر البصائر هذا الشيخ حسن بن سليمان ابن محمد بن خالد الحلي تلميذ الشيخ الشهيد وصاحب " اثبات الرجعة " كما مر» [۲]. [ftn۲ #]. (کتاب بصائرالدرجات سعد اشعري را شیخ حسن بن سلیمان بن محمد بن خالد حلی شاگرد شهید و صاحب کتاب اثبات الرجعه تلخیص کرده است و نام آن را مختصر بصائرالدرجات گذاشته است.)

شیخ حسن بن سلیمان یك محقق خدمتگذار و بسیار گمنام که از شاگردان شهید اول (۷۸۶) است و بزرگان از ایشان خیلی تجلیل نموده‌اند. مرحوم حرعاملی در مورد ایشان می‌فرماید:

«الحسن بن سليمان بن خالد، فاضل عالم فقيه، له مختصر بصائر الدرجات لسعد بن عبد الله» [۳]. [ftn۳ #]

همچنین ایشان در وسائل الشیعه راجع به مختصر می‌فرماید:

«انتخبه الشيخ الفاضل الحسن بن سليمان خالد تلميذ الشهيد» [۴]. [ftn۴ #]

مرحوم أفندي وقتي که سخن از شیخ حسن بن سلیمان به میان می‌آورد می‌فرماید: «عالم فقیه کان من أجلاء تلامذة الشهيد الأول رحمه الله، و هو محدث جلیل و فقیه نبیل» از شاگردان ممتاز شهید اول بوده است. بعد ایشان کلامی را از حسن بن راشد - از بزرگان ماست - در مورد شیخ حسن بن سلیمان نقل می‌کند که:

« الشيخ الصالح العابد الزاهد حسن بن سلیمان ».

مرحوم مجلسی (ره) در جلد یکم بحارالانوار، به ارزیابی و اعتبارسنجی کتب می‌پردازد لذا وقتی به کتب بیاضی (صاحب الصراط المستقیم) و شیخ حسن بن سلیمان میرسد، می‌فرماید: «و کتب البیاضی و ابن سلیمان کلها صالحة للاعتماد و مؤلفاها من العلماء الأنجاد و تظهر منها غاية المتانة و السداد»^[5] [ftn5]_. (کتبشان مورد اعتماد و مولفین آن از علمایی هستند که این کتاب‌ها را بسیار متین و محکم نوشتند).

مرحوم خوانساری در کتاب روضة الجنات در مورد شیخ حسن بن سلیمان می‌فرماید:

« کان من تلامذة شیخنا الشهيد الأول و فقیها فاضلاً »

پس نسبت به این بزرگوار و کتاب او بحثی نیست، هم کتابش، کتاب معروفی است و هم خودش از بزرگان است. البته باید توجه داشت که کتاب مختصر فقط صرف تلخیص نمی‌باشد بلکه شیخ حسن بن سلیمان مطالبی را هم از کتابهای دیگر می‌آورند و اشاره می‌کند که این مطلب را از آنجا آورده‌ام. روایت بعدی از روایاتی است که خود شیخ حسن بن سلیمان در مختصر خود اضافه کرده است.

«وَمَا رَوَاهُ لِي وَرَوَيْتُهُ عَنِ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ الْمُؤَقِّقِ السَّعِيدِ بَهَاءِ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْكَمِيدِ الْحُسَيْنِيِّ أَسْعَدَهُ اللَّهُ بِتَقْوَاهُ وَ أَصْلَحَ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَ أَخْرَاهُ رَوَاهُ بِطَرِيقِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَيَّادِيِّ، يَرْفَعُهُ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع سُئِلَ عَنِ الرَّجْعَةِ أَ حَقٌّ هِيَ؟ قَالَ: «نَعَمْ» فَقِيلَ لَهُ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ؟ قَالَ:

«الْحُسَيْنِ ع، يَخْرُجُ عَلَى أَثَرِ الْقَائِمِ ع»، قُلْتُ: وَ مَعَهُ النَّاسُ كُلُّهُمْ؟ قَالَ: «لَا، بَلْ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجاً» ٤ قَوْماً بَعْدَ قَوْمٍ» [٤] [٤] [ftn٤]

(از حضرت صادق ٧ سوال شد: آیا رجعت صحیح است؟ فرمود: آری. گفتند: نخستین کسی که مآید کیست؟ فرمود: حسین ٧ است که بعد از ظهور قائم ٧ مآید. عرض شد آیا همه مردم با او هستند؟ فرمود: نه بلکه چنان است که خدا میفرماید يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجاً مردمی بعد از مردمی مآیند. یعنی اینگونه نیست که همه مردم یکدفعه زنده بشوند و رجعت نمایند.)

* فرمایش مرحوم طباطبائی فرمایش متین و مستند به روایات است که میفرماید: ظهور يك مقوله و رجعت معقوله‌اي دیگر است، همانطور که مرحوم مامقانی هم در قضیه‌ي نجم بن اعین تاکید داشتند که رجعت غیر از ظهور است.

سند روایت

تا کنون ما ١٤ روایت مربوط به رجعت رجعت نبی اکرم ٧ و ائمه طاهرین : نقل کرده ایم بنابراین دیگر نیازی به بررسی سندی نیست.

مفاد روایت

روایت، اصل رجعت امام حسین (ع) را بیان می‌کند و سخنی از تفصیلات رجعت به میان نیامده است. ما اصل رجعت امام معصوم را قبول داریم و شکی در آن نمی‌باشد و از اعتقادات ماست.

مصادر روایت:

- مختصر بصائر الدرجات
- منتخب الأنوار المضيئة: ص ۲۰۱ - كما في مختصر بصائر الدرجات
- الإيقاظ من الهجعة: ص ۲۸۱ ب ۹ > ۹۸ - مختصرا عن مختصر بصائر الدرجات. وفي: ص ۳۶۷، باب ۱۰، > ۱۲۳ - عن الحسن بن سليمان أيضا في باب الكرات
- البحار: ج ۵۳ ص ۱۰۳ ب ۲۹ > ۱۳۰ - عن مختصر بصائر الدرجات
- مرآة الأنوار ومشكاة الاسرار: ص ۳۴۶ - كما في مختصر بصائر الدرجات، مرسلا

روایت هفدهم

«عَنِ ابْنِ عِيْسَى عَنْ غُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ وَ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَا سَمِعْنَاهُ يَقُولُ إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكُفُّ فِي الرُّجْعَةِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَ يَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ» [٧]. [ftn٧_#]

(مُعَلَّى بْنُ حُنَيْسٍ وزید شحام می‌گویند که از امام صادق ۷ شنیدیم که فرمودند: اولین کسی که در رجعت بر می‌گردد، حسین بن علی ۷ است و در این دنیا ۴۰ سال می‌ماند تا ابروانش بر روی چشمانش بیفتد.)

به نظرم، روایت يك سقطي دارد چون ۴۰ سال ماندن ملازم با «حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ» نمی‌باشد. باید عمر طولانی باشد سیصد، چهارصد سال باشد تا این ابرو روی چشم بیافتد. در بعضی روایات چهل هزار سال آمده است.

اگر از این روایت، تفصیل استفاده شود، فقط دو چیز است:

۱. امام حسین(ع) اولین کسی است که در رجعت بر می‌گردد

۲. امام حسین(ع) ۴۰ سال عمر می‌کند، ولی صبحتی از تفصیلات دیگر در روایت نیست.

مصادر روایت

- بصائر الدرجات لسعد بن عبد الله القمي: على ما في حلية الأبرار

- مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸ - وعنه (أحمد بن محمد بن عيسى) عن عمر بن عبد العزيز، عن رجل، عن جميل بن دراج، عن المعلى بن خنيس وزيد الشحام، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال سمعناه يقول

- حلية الأبرار: ج ۲ ص ۶۵۰ ب ۴۶ - كما في مختصر بصائر الدرجات، وقال وعنه (سعد بن عبد الله القمي في كتاب بصائر الدرجات)، وفيه "من كبره"

- البرهان: ج ۲ ص ۴۰۸ ب ۱۰ - كما في مختصر بصائر الدرجات عن بصائر الدرجات لسعد بن عبد الله، وفيه "من كبره" (مرحوم بحراني انسان بسیار موفقی بوده است، ما سر مزار ایشان در بحرین رفتیم، در آنجا کتابهایش را چیده بودند)

- البحار: ج ۵۳ ص ۶۳ - ۶۴ ب ۲۹ ب ۵۴ - عن مختصر بصائر الدرجات

روایت هجدهم

عن الصادق (ع): «ويقبل الحسين في أصحابه الذين قتلوا معه [۸]. [ftn۸ #] و معه سبعون نبيا، كما بعثوا مع موسى بن عمران، فيدفع إليه القائم الخاتم، فيكون الحسين عليه السلام هو الذي يلي غسله وكفنه وحنوطه، ويواري به (ويواريه) في حفرته» [۹]. [ftn۹ #]

(امام صادق ۷ فرمود: امام حسین با یارانش که با وی کشته شدند در حالی که هفتاد پیغمبری که با حضرت موسی بن عمران برانگیخته شدند با اوست، بازگشت بدنیا میکنند. قائم ۷ انگشتر خود را بامام حسین ۷ میدهد چون قائم ۷ رحلت کند، امام حسین علیه السلام او را غسل میدهد و کفن میکند و حنوط کرده در قبر میگذارد)

توضیح روایت:

* منظور از انگشتر در روایت چیست؟ این مورد را باید بحث کنیم. روایت داریم که: «قال أبو عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام: ما من معجزة من معجزات الأنبياء و الأوصياء إلا و يظهر الله تبارك و تعالى مثلها في يد قائمنا لإتمام الحجة على الأعداء» [١٥]. [ftn١٥] هر معجزه‌ای که هر پیغمبری دارد حضرت مهدی ۷ هم آن را دارد. انگشتر سلیمان معجزه‌اش چیست؟ قرآن می‌فرماید:

«و لِسُلَيْمَانَ الرِّيحُ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ...» [١١]. [ftn١١] (و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر يك ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر يك ماه) و در آیه دیگر از زبان حضرت سلیمان می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» [١٢]. [ftn١٢]. سلیمان گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای)

پس، این انگشتر که دست حضرت مهدی (ع) است کنایه از اقتدار و تسلط و حاکمیت و حکومت وی می‌باشد.

* در آخر روایت آمده است که «...فیکون الحسین علیه السلام هو الذي يلي غسله وكفنه وحنوطه، و یواری به (ویواریه) في حفرته» سرنوشت حضرت مهدی روحی فداه چگونه است؟ فوت یا شهادت است؟

مشهور و معروف بین ما است که: «المعصوم الصديق الامام لا يغسله إلا الامام»، حتی معاصرین هم قائل به این مسأله هستند، به بیانات مرحوم آقاي خويي در این زمینه مراجعه کنید. چون امام زمان ۷ معصوم است پس مسئله‌ی کفن و حنوط و دفن او هم با معصوم است. [١٣]. [ftn١٣]

* امام زمان پس از رحلت یا شهادت در کجا به خاک سپرده می‌شود؟ «ویواری به (ویواریه) فی حفرته»

بعضی می‌گویند که امام مهدی (عج) در همان کربلای معلی و در همین جایی که حسین بن علی ۷ مدفون هستند به خاک سپرده می‌شود، بنده، دلیل این امر را پیدا نکردم. از این روایت استفاده‌ی به شهادت رسیدن حضرت هم نمی‌شود. پس حد دلالت روایت این است که تجهیز غسل و کفن و دفن امام زمان ۷ با امام حسین روحی فداه است.

* آیا امام در میدان رزم به شهادت می‌رسند؟ یا آن بزرگوار را مسموم می‌کنند؟ و یا زنی آن حضرت را شهید می‌کند؟ می‌خواهم عرض کنم که بنده جریان شهادت امام را بوسیله یک زن در هیچ‌یک از مدارک دست اول، پیدا نکردم. آقای شیخ احمد احسائی ظاهراً این مطلب را بیان می‌کند و قبل از احسائی، مرحوم حر عاملی در اثبات الهداة و یا الایقاظ - ظاهراً - می‌فرماید که امام ۷ شهید می‌شوند ولی هیچ مدرک و دلیلی ارائه نمی‌دهند و قبل از این دو، بنده دیگر مدرک و منبعی را نیافتم.

دلالت روایت

بهر حال، حداکثر استفاده از این روایت مسأله حکومت امام حسین (ع) و تجهیز غسل و کفن و دفن امام مهدی ۷ می‌باشد که بر عهده امام حسین ۷ است. اصل روایت را منکر نیستیم و قبول داریم ولی اگر صحبت تفصیلات به میان آمد، بحث دیگری است.

منابع روایت

• • مختصر بصائر الدرجات: ص ٤٨ - مما رواه لي ورويته عن السيد الجليل السعيد بهاء الدين علي بن عبد الحميد الحسيني، رواه بطريقه عن أحمد بن محمد الأيادي، يرفعه إلى أحمد بن عقبة، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام

• • الايقاظ من الهجعة: ص ٣٦٨ ب ١٠ > ١٢٤ - كما في مختصر بصائر الدرجات بتفاوت يسير، قال ما رواه أيضا (الحسن بن سليمان أيضا في باب الكرات وحالاتها عن السيد الجليل بهاء الدين علي بن عبد الحميد..) عنه عليه السلام وفيه " .. وإبلاغه حفرته "

• • البحار: ج ٥٣ ص ١٠٣ ب ٢٩ > ١٣٠ - عن مختصر بصائر الدرجات، وفيه " .. ويواريه في حفرته "

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

[١]-[#ftnref١].. براي اطلاع بیشتر ر.ك به جلسه قبل ٢/٧/٩١

[٢]-[#ftnref٢].. الذريعة - آقا بزرگ الطهراني - ج ٣ - ص ١٢٣ - ١٢٥

[٣]-[#ftnref٣].. أمل الآمل - الحر العاملي - ج ٢ - ص ٦٦

[٤]-[#ftnref٤].. وسائل الشيعة، حر عاملي، ج ٣٠، ص ٣٩

[٥]-[#ftnref٥].. بحار الأنوار ؛ ج ١ ؛ ص ٣٣

[٦]-[#ftnref٦].. مختصر البصائر ؛ ؛ ص ١٦٥

[٧]-[#ftnref٧].. مختصر بصائر الدرجات: ص ١٨، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٣،

[۸]. [ftnref۸ #]. شهدایی که در رکاب امام حسین روحی فدا به شهادت رسیدند، مشهور همین ۷۲ تن هستند، ولی شهدای دیگر که در این مسیر به شهادت رسیدند بیش از این تعداد هستند. بعد از ورود حضرت مسلم خلی‌ها را گرفتند در ب خانه اعدام کردند؛ اصلاً به دادگاه هم نرساندند، همان در خانه‌اشان می‌کشتند. به کتاب ایام مکیه ما رجوع کنید. آنجا بحث شده است. میثم التمار ۲۰ روز قبل از شهادت امام حسین که تازه از حج برگشته بود، دستگیرش کرده و سپس حلق‌آویزش کردند، اینها همه جزء شهدا هستند. در زیارت شهدا نگاه کنید ظاهراً بیش از ۱۰۰ نفر اسم برده می‌شود.

[۹]. [ftnref۹ #]. مختصر بصائر الدرجات: ص ۴۸، البحار: ج ۵۳ ص ۱۰۳ ب ۲۹ ح ۱۳۰ - معجم احادیث الامام المهدي (ع) ۴: ۸۹.

[۱۰]. [ftnref۱۰ #]. إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن ج ۵، ۳۲۸)

[۱۱]. [ftnref۱۱ #]. سوره سبأ، آیه ۱۲

[۱۲]. [ftnref۱۲ #]. سوره ص، آیه ۳۵

[۱۳]. [ftnref۱۳ #]. در کافی شریف بابی تحت عنوان «أن الإمام لا يغسله إلا إمام من الأئمة» می‌باشد، مثلاً در روایتی وارد شده که: ابو معمر گوید: از امام رضا پرسیدم که امام ۷ را امام ۷ غسل مدهد؟ فرمود: سنتی است از موسی بن عمران ۷. (الکافی، ج ۱، ۳۸۵)

شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد